



آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری

شماره هـ ۴۶/۷۹/ و ۳۹۸/۷۸
۱۳۸۰/۳/۲۸

شماره دادنامه: ۵۴-۵۵

تاریخ: ۱۳۸۰/۲/۲۳

کلاس پرونده: ۳۹۸/۷۸ و ۴۶/۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: ۱- دفتر حقوقی بیمه آسیا ۲- خانم زهرا قائدی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و سوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده‌های کلاس ۱۰۶۱/۷۷، ۱۰۶۳/۷۷، ۱۰۶۴/۷۷، ۱۰۶۷/۷۷، ۱۰۶۹/۷۷، موضوع شکایت آقای احمد، آقای فرهاد، آقای اکبر، خانم زهرا و آقای عبدالحمید به طرفیت بیمه آسیا به خواسته اعاده مرخصی استحقاقی به شرح دادنامه‌های شماره ۲۰۲۴، ۲۰۲۵، ۲۰۲۶ و ۲۰۲۹ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۲ و ۱۸۷۹ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۳ چنین رأی صادر نموده است، شاکی اعلام نموده است که در سال ۱۳۷۴ از ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده کشور ب شرکت بیمه آسیا منتقل شده است و چون مدت ۲۷ روز مرخصی خود را

بابت اعلام تعطیل بعضی از روزها از طرف دولت «که بعداً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است.» مورد استفاده قرار نداده است و تقاضای استفاده از مرخصی مذکور را نموده ولی شرکت مشتکی عنه از اعطاء مرخصی مذکور خودداری کرده است و علیهذا تقاضای رسیدگی دارد. مشتکی عنه با استناد به لایحه قانونی نحوه انتقال مستخدمین وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی قانون استخدام کشوری به مؤسسات استثناء شده از قانون مذکور مصوب ۱۳۵۹/۲/۲۰ و ماده (۱۴۴) قانون استخدام کشوری و ماده (۱۰) قانون اخیرالذکر اعلام نموده است که انتقال یافتگان به مؤسسه دولتی فقط گروه و پایه و پیشینه خدمت خود را به مؤسسه دولتی دیگر منتقل می‌نماید. در ماده (۱۰) فوق‌الاشعار اشاره‌ای به مرخصی نشده است، علیهذا تقاضای رد شکایت را دارد. با توجه به مراتب فوق اولاً ستاد بازسازی یادشده یکی از نهادهای دولتی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بلحاظ مقتضیات زمان بوجود آمده بوده است و کارمندان ستاد مذکور هر چند مشمول قانون استخدام کشوری نبوده‌اند ولی به هر صورت کارمند رسمی دولت بوده‌اند و شاکی نیز به شرکت آسیا که یک مؤسسه دولتی است منتقل گردیده و در ماده (۱۰)

مورد استناد مشتکی عنه نه تنها کلمه (فقط) بکار نرفته است بلکه مقرر گردیده که کارمند انتقال یافته پیشینه خدمت خود را به محل جدید خدمت منتقل می‌نماید و پیشینه خدمت شامل ایام مرخصی نیز می‌شود و ماده (۴۹) آیین‌نامه استخدامی مشترک شرکتهای بیمه و وحدت ملاک ماده (۱۴۴) قانون استخدام کشوری نیز موید این مطلب است.

زیرا برابر مواد مرقوم مرخصی جزء ایام سابقه خدمت محسوب و کارمندی که در حال استفاده از مرخصی است از کلیه حقوق و مزایای قانونی استفاده می‌نماید و در نتیجه شاکی ایام مرخصی استفاده نشده خود را که جزء پیشینه خدمتی خود می‌باشد به شرکت بیمه آسیا انتقال داده است. ثانیاً مصوبات هیأت دولت که بعضی از روزهای غیر تعطیل را تعطیل اعلام و آنها را جزء مرخصی استحقاقی کارکنان دولت محسوب نموده بود به شرح رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۷۸/۷۳ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۴ ابطال گردیده است و به موجب رأی مذکور کلیه ایامی که بدون درخواست مستخدمین و کارکنان دولت به عنوان مرخصی مورد محاسبه قرار گرفته و تعطیل اعلام شده بود باطل گردیده و در نتیجه به عنوان مرخصی ذخیره کارکنان تلقی شده است و تقریباً کلیه وزارتخانه‌ها و

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

قربانعلی دری نجف آبادی

شماره ۱۶۴۳۸/ت/۵۲۴۳۹۹

۱۳۸۰/۴/۱۳

تصویب نامه در خصوص افزایش سرمایه شرکت ملی

گاز ایران

وزارت نفت

هیأت وزیران در جلسه در جلسه مورخ

۱۳۸۰/۳/۳۰ بنا به پیشنهاد شماره ۵۲۵۰

۱۲/۲ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۸ وزارت نفت

و به استناد ماده (۴) قانون اساسنامه شرکت

ملی گاز ایران - مصوب ۱۳۵۶ - تصویب

نمود:

سرمایه شرکت ملی گاز ایران از محل

عوارض موضوع تبصره (۲۷) قوانین بودجه

سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ کل کشور به مبلغ

دوهزار و نهصد و هفتاد و شش میلیارد و

هفتصد و نود و هشت میلیون

(۲/۹۷۶/۷۹۸/۰۰۰/۰۰۰) ریال افزایش

می یابد.

معاون اول رئیس جمهور - حسن حبیبی

۱۳۸۰/۴/۹

شماره ۱۶۴/۷۹/ه

تاریخ ۱۳۸۰/۳/۶

شماره دادنامه ۷۲

کلاس پرونده ۱۶۴/۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان

عدالت اداری

شاکی: آقای سید علیرضا حسنین

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه

شماره نب ۹۰۱ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۹

اداره نظارت بر امور بانکهای تجاری بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی

اعلام داشته است، در مورد چک قانونگذار

قایل به داشتن امتیاز شکایت کیفری برای

۱۳۷۴ ندارد. لذا شکایت شاکی توجیهی به

بیمه آسیا نداشته با نقض رأی معترض علیه

حکم به رد شکایت شاکیه به طرفیت

تجدیدنظر صادر می نماید. هیأت عمومی

دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست

حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و

با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و

مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از

بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء

به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به رأی شماره ۱۷۸ مورخ

۱۳۷۴/۱۰/۱۴ هیأت عمومی دیوان مبنی

بر ابطال مصوبات دولتی در خصوص احتساب

ایام تعطیلاتی که بنا به نسبتهای خاص از

طرف دولت اعلام و جزء مرخصی استحقاقی

مستخدمین دولت منظور شده بود و اینکه

مدت مرخصی استحقاقی ذخیره شده جزء

سابقه خدمت دولتی و از مصادیق حقوق ثابت

قانونی کارکنان دولت محسوب می شود و

انتقال از یک واحد دولتی به واحد دولتی دیگر

سالب حق مذکور نیست، بنابراین

دادنامه های شماره ۳۹۱، ۳۹۴ و ۴۰۶

مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۵ و ۶۰۲ مورخ

۱۳۷۸/۵/۱۱ شعبه اول تجدیدنظر مشعر

بر تأیید دادنامه های شماره ۱۸۷۹ مورخ

۱۳۷۷/۱۰/۲۳ و ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶،

۲۰۲۹ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۲ شعبه شانزده

بدوی دیوان در حدی که متضمن این معنی

می باشد موافق اصول و موازین قانونی

تشخیص داده می شود. این رأی به استناد

قسمت اخیر ماده (۲۰) اصلاحی اداری

مصوب ۱۳۷۸/۲/۱ برای شعب دیوان و

سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه

لازم الاتباع است.

سازمانها و مؤسسات دولتی نیز مفاد رأی

مذکور را اجراء نموده اند و مؤسسات دولتی نیز

تابع مقررات رأی مذکور می باشند. علیهذا

شرکت بیمه آسیا نیز که یک مؤسسه دولتی

می باشد ملزم به اجابت درخواست قانونی

شاکی می باشد و بنا به مراتب فوق الاشار

حکم به ورود شکایت شاکی را صادر و اعلام

می دارد. ب- شعبه اول تجدیدنظر در رسیدگی

به پرونده های کلاسه ۵۱/۷۸، ۶۹/۷۸،

۷۰/۷۸، ۷۱/۷۸ موضوع تقاضای

تجدیدنظر شرکت بیمه آسیا نسبت به

دادنامه های شماره ۱۸۷۹ مورخ

۱۳۷۷/۱۰/۲۳ با ۲۰۲۶ مورخ

۱۳۷۷/۱۱/۱۲، ۲۰۲۹ مورخ

۱۳۷۷/۱۱/۱۲، ۲۰۲۵ مورخ

۱۳۷۷/۱۱/۱۲ شعبه شانزدهم دیوان به

شرح دادنامه های شماره ۳۹۱، ۳۹۴، ۴۰۶

مورخ ۱۳۷۸/۴/۱۵ و ۶۰۲ مورخ

۱۳۷۸/۵/۱۱ ضمن رد اعتراض تجدیدنظر

خواه دادنامه های بدوی را عیناً تأیید نموده

است. ج- شعبه سوم تجدیدنظر در رسیدگی به

پرونده کلاسه ۱۲۲/۷۸ موضوع تقاضای

تجدیدنظر بیمه آسیا به طرفیت خانم زهرا

قائدی به خواسته اعتراض به دادنامه شماره

۲۰۲۲ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۲ شعبه

شانزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۷۱۹

مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۸ چنین رأی صادره نموده

است، با بررسی مندرجات پرونده نظر به اینکه

حسب مدارک و مستندات موجود شاکیه در

سال ۱۳۷۴ از ستاد بازسازی مناطق جنگی

به بیمه آسیا انتقال یافته و مشارالیها مطالبه

حقوق مرخصیهای موضوع رأی شماره ۱۷۸

مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۴ هیأت عمومی عدالت

اداری را می نماید. نظر به اینکه بیمه آسیا هر

چند وابسته به دولت است، تعهدی در پرداخت

حقوق مرخصیهای مربوط به قبل از سال

سفارش‌های امام محمد باقر (ع) به جابر جهفی

ای جابر! پنج چیز را از مردم زمانه غنیمت شمار: (۱) اگر حاضر باشی نشناختند، (۲) اگر غایب شوی نجویندت، (۳) اگر در محفل (مشورت) باشی از تو رای نخواهند، (۴) اگر گویی نپذیرند، (۵) و اگر خواستگاری کنی رد کنند.

و پنج چیز را به تو سفارش می‌کنم: (۱) اگر ستم کردند ستم نکن، (۲) اگر به تو خیانت کردند، خیانت نکن، (۳) اگر تکذیب کردند، خشم بگیر، (۴) اگر ستودندت، شاد مشو، (۵) اگر نکوهشت کردند، برنیاشوب.

ای جابر! روزی اندک خدا را کم شمار تا شاکر باشی، طاعت بسیار خود را اندک شمار تا عیب خود بیابی و عفو خداطلبی.

با زیاد شمردن روزی اندک، و کم شمردن طاعت بسیار به شکر فراوان دستیاب. با شکر زیاد، نعمت را بیفزای. با بیم از زوال نعمت، به شکر بسیار نایل شو. با کشتن طمع، عزت پابنده طلب. با عزت، نو میدی را از مردم، ذلت طمع را از جان خود دور کن. با همت بلند، عزت نو میدی را فراهم کن. با کوتاه کردن رشته آرزو، از دنیا توشه بگیر. از هر فرصتی برای رسیدن به مراد بهره گیر و هیچ فرصتی چون دوران فراغت و تندرستی نیست... بدان که هیچ علمی چون سلامت جویی نیست. هیچ سلامتی چون سلامت قلب نیست. هیچ عقلی همانند مخالفت هوای نفس نیست.

دارندگان آنها شده است و دارنده چک از نظر قانون یگانه فردی است که حق طرح دعوی جزایی را در صورت پرداخت نشدن خوجه چک خواهد داشت و در صورت مطالبه وجه چک از بانک محال علیه و پرداخت نشدن وجه چک به موجب ماده (۴) قانون چک، بانک موظف به صدور گواهینامه عدم پرداخت شده است که بنا به نظر دیوان عالی کشور این بر گه به منزله وخواست است، فلذا بنا به قانون قاعداً تنها یک بار باید صورت بگیرد و نه بیشتر.

متأسفانه با وجود صراحت نص قانون اخیراً اداره نظارت بر امور بانکهای تجاری بانک مرکزی مبادرت به تصویب و ابلاغ بخشنامه مورد شکایت به شعب بانکها کرده است که به موجب آن چنانچه چک بعد از صدور گواهینامه عدم پرداخت نخستین به فرد دیگری منتقل شود، بانک موظف است در صورت درخواست آورنده (شخص ثالث) نسبت به صدور گواهی عدم پرداخت مجدد اقدام نماید. صدور مجدد گواهینامه از نظر حقوقی واجد اثر و اعتبار نیست و به مفاد قانون چک در صدور این بخشنامه توجهی نشده است. فلذا تقاضای ابطال بخشنامه شمار نپ/۹۰۱ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۹ اداره نظارت بر امور بانکهای تجاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را دارد. مدیریت کل نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری اداره نظارت بر امور بانکهای تجاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۴۱۴۶ مورخ ۱۳۷۹/۷/۲۶ اعلام داشته‌اند، منظور مقنن از لفظ (دارنده) به شرح ماده (۲) قانون صدور چک به طور اعم ذینفع چک بلامانع است که این معنی از الفاظ «قائم مقام قانونی» مذکور در این ماده مستفاد می‌گردد و به طور اخص منظور قانونگذار از «دارنده» در ماده (۱۱) قانون مذکور شخصی است که علاوه بر دارا بودن حق مراجعه به هر یک از مراجع قانونی اعم از ثبت اسناد به جهت اجرای سند (چک) و یا دادگاه به عنوان مدعی خصوصی یا خواهان دعوای مدنی، می‌تواند با استفاده از شرایط مندرج در ماده یادشده به عنوان شاکی درخواست تعقیب کیفری و مجازات صادر کننده را نیز ارائه نماید. در این زمینه در قسمت اخیر ماده (۱۱) قانون صدور چک مقنن با کاربرد لفظ انحصاری (کیفری) بقای جواز انتقال چک به غیر را تلویحاً مورد تأیید قرار داده، لکن با توجه به طبیعت جرم چک بلامحل و جلوگیری از سوء استفاده اشخاص فرصت طلب در ایجاد شغل خاص پیگیری این گونه دعاوی، حق شکایت کیفری را فقط به کسی واگذار نموده که برای اولین بار به بانک مراجعه کرده است و بر این اساس حق شکایت کیفری را از کسانی که به نحوی پس از صدور گواهینامه بانک در مقام دارنده چک قرار می‌گیرند یا چک به نحوی به آنها منتقل یا واگذار می‌گردد، سلب کرده است. بر اساس ماده (۲) قانون

چک «دارنده چک» برای صدور اجرائیه موظف است عین چک و «گواهینامه» مذکور در مواد (۴ یا ۵) قانون یادشده را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. مطابق قسمت اخیر ماده (۴) قانون مذکور «بانک» مکلف است علاوه بر قیود مذکور در صدر ماده هویت و نشانی کامل «دارنده» را نیز در گواهینامه ذکر نماید. این گواهینامه لزوماً باید مطابق ماده (۳) قانون صدور چک نیز باشد. چنانچه اولین «گواهینامه» مطابق ماده (۱۱) به ذینفع تسلیم شده و این شخص با سلب حق شکایت کیفری از خود چک بلامحل را به غیر (از جمله به ید ماقبل خود) واگذار نماید، در این حالت هویت ذینفع چک «دارنده» به شرح اخیر در گواهینامه اولیه متذکر نشده است، لذا این معضل مطرح می گردد که دایره اجرای ثبت، قائم مقام قانونی را چگونه با عنوان «دارنده» تطبیق داده و پی گیری اجراء را از وی بپذیرد. آیا می توان پذیرفت که مقنن، حق انتقال چک بلامحل را بسه غیر و حتی به ظهرنویسان قبلی و یا اولین ظهرنویس پس از صدور اولین گواهینامه سلب کرده است؟ اعاده چک برگشت شده به ید ماقبل در عرف تجاری معول و اقدامی متعارف و جاری بازار است. به این لحاظ دارنده چک در هر حال می تواند از مزایای مواد (۳۱۰ الی ۳۱۷) قانون تجارت بهره برداری نماید و قانون چک به هیچ وجه ناسخ مواد نمی باشد. از عبارت «شخصی که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است.» مرقوم در ماده (۱۱) قانون چک، چنین استنباط می گردد که رامکان ارائه چک برای دفعات متوالی با بانک فراهم است و هر یک از ذینفع های چک و ظهرنویسان حسب مورد

می توانند راساً به جهت وصول وجه آن به بانک مراجعه نمایند و بانک نیز به هر حال به عنوان محال علیه موظف به پاسخگویی است و پاسخگویی بانک در شکل و ماهیت باید در انطباق با قانون چک صورت پذیرد. با عنایت به مراتب و نظر به اینکه به شرح بخشنامه فوق الذکر بانکها مکلف شده اند در صدور گواهینامه عدم پرداخت مجدد به این نکته تصریح نمایند که اولین گواهینامه عدم



پرداخت قبلاً برای آورنده صادر شده است، زوال وجه کیفری چک را در گواهینامه عدم پرداخت ثانی مشخص و بارز نمایند. بنابر این اقدام این اداره در خصوص صدور بخشنامه شماره ۹۰۱ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۹ در انطباق کامل با مفاد قانون صدور چک و در جهت ایجاد وحدت رویه در شبکه بانکی می باشد. لذا رد شکایت مطروحه مورد استدعا است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ

فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور روسای شعب بدوی و روسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاور با اکثریت آرا به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

طبق ماده (۱۰) قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ که بر اساس قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ شماره آن به (۱۱) تغییر یافته، منظور از دارنده چک در مقام طرح شکایت کیفری شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است و حکم مقرر در این ماده در باب الزام بانک محال علیه به قید هویت کامل و دقیق و تاریخ مراجعه شخص مزبور به بانک و صدور گواهی عدم پرداخت و همچنین عدم جواز طرح شکایت کیفری از طرف کسی که چک پس از برگشت (جز در موارد قهری) به او منتقل شده مفید ممنوعیت صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و مکرر است، بنابراین مفاد بخشنامه نب/۹۰۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر الزام بانک محال علیه به صدور گواهی عدم پرداخت مجدد و زوال آثار کیفری اولین گواهی عدم پرداخت خلاف قانون تشخیص داده می شود و بخشنامه مذکور به استناد قسمت دوم ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیات عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی